

اخبار فرهنگی

در روزهای پنجشنبه و جمعه؛ اینترنت موبایل در محل حوزه‌های کنکور محدود می‌شود

در روزهای پنجشنبه و جمعه این هفته در ساعات برگزاری کنکور، محدودیت اینترنت موبایل در محل حوزه‌های آزمون اجرا می‌شود. سازمان سنجش با بیان این خبر اعلام کرد: حفاظت از سلامت آزمون سراسری نه تنها مطالبه و خواسته داوطلبان و خانواده‌های آنها بلکه مورد حمایت عموم مردم است و ضمن پوزش از ساکنین اطراف محل حوزه‌های برگزاری آزمون به جهت اختلال ارتباطی از همراهی این عزیزان سپاسگزاریم.



تهران و ایروان خواهرخوانده شدند

مراسم امضای تفاهم‌نامه خواهرخواندگی میان دو شهر تهران و ایروان دیروز در مرکز همایش‌های برج میلاد انجام شد. به گزارش مهر، علیرضا زاکانی شهردار تهران، در ابتدای این مراسم گفت: یکی از سیاست‌های قطعی جمهوری اسلامی ایران بر برقراری ارتباط، همکاری و حسن همجواری با کشورهای همسایه‌اش است. ارمنستان نیز در نزد ایران از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است و علاقه‌مند به گسترش روابط میان دو کشور هستیم. سارگسیان، شهردار ایروان نیز با اشاره به ضرورت همکاری میان ایران و ارمنستان گفت: گروه کاری شهرداری ارمنستان از چند ماه قبل در تهران حضور داشته و اطلاعات مهمی از ظرفیت‌های شهرداری تهران به ما داده است که بر اساس آن ما امروز توافق با محوریت فرهنگ، حمل و نقل و دیگر زمینه‌های اجتماعی امضا خواهیم کرد، این توافق سرآغاز همکاری‌های میان شهرداری تهران و ایروان است.



«پالتو شتری» به سینماهای آید



فیلم سینمایی «پالتو شتری» از هفته آینده به سرگروهی سینماگمال روی پرده سینماهای سراسر کشور می‌رود. به گزارش روابط عمومی موسسه تصویر شهر، این فیلم به تهیه‌کنندگی مجید شیخ‌انصاری و کارگردانی مهدی علی‌میرزایی یک‌درام کم‌دی است که سری‌وهفتمین جشنواره فیلم فجر در بخش نگاه‌نو و سودای سیمرغ حضور داشت. در خلاصه داستان این فیلم آمده است: آگه‌دشمنید چرا اینقدر باهم می‌پرید؟ «پالتو شتری» با بازی سام درخشانی، بهاره کیان‌افشار، لیندا کیانی، بانیپال شومون، شاهرخ فروتنیان، افسانه چهره آزاد، پریش نظری، به‌علیر ضامهران، طوفان مهرادیان و رضا شیخ‌انصاری است.



پایان بررسی باستان‌شناسی ۱۰ ساله در جهرم



بررسی باستان‌شناسی بخش مرکزی شهرستان جهرم پس از ۱۰ سال به پایان رسید و کل آثار و محوطه‌های شناسایی شده از این شهرستان، ۵۴۸ محوطه و اثر از دوران پارینه‌سنگی تا قرون متأخر اسلامی است. به گزارش روابط عمومی پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری، سرپرست هیأت باستان‌شناسی این منطقه با بیان این مطلب، گفت: قدیم‌ترین محوطه‌های شناسایی شده از بخش مرکزی مربوط به دوره پارینه‌سنگی میانی است که از غارها و محوطه‌های باز شناسایی شد. مجید منصوری، افزود: علاوه بر این، محوطه‌هایی نیز از دوران پارینه‌سنگی جدید و فراپارینه‌سنگی شناسایی شد و محوطه‌های پیش از تاریخی با سفال زیادی از این منطقه بدست نیامد و تنها یک محوطه شاخص از دوره پارکون ثبت شد. به گفته وی، بیشتر محوطه‌های شناسایی شده در این پروژه از بخش مرکزی جهرم مربوط به دوران تاریخی و به‌ویژه دوره‌های هخامنشی، فراهخامنشی و ساسانی وبا توجه به کوهستانی بودن منطقه، آثار دوران فراهخامنشی و ساسانی بیشتر به صورت قلعه‌های صعب‌العبور در ارتفاعات است. سرپرست هیأت باستان‌شناسی با اشاره به اینکه، محوطه‌ها و آثار فراوانی نیز از دوران مختلف اسلامی به صورت محوطه، قلعه، ریل، کاروانسرا، آب‌انبار و آسیاب شناسایی شد، افزود: این محوطه‌ها و آثار از قرون اولیه تا متأخر اسلامی قابل تاریخ‌گذاری است.



نشست خبری جشنواره تئاتر فجر برگزار شد

تکرار مکررات با سیاست‌زدگی بیشتر



احسان زیور عالم

دارد یا بهتر است بگویم ذات سیاسی پیدا کرده است. خواسته یا ناخواسته، مدیران فرهنگی جشنواره‌های فجر را سکویی برای عیان کردن قابلیت‌های خود دانسته‌اند و بیش از ظرفیت آن، برای خود تولید تصویر کرده‌اند. اثبات این امر هم در دل تاریخ قابل رؤیت است. برای مثال به جشنواره تئاتر فجر قبل خرداد ۷۶ و بعد خرداد ۷۶ نظر بیندازید. جالبی ماجرا آنجاست که محمد خاتمی که روزگاری وزیر ارشاد بوده، پس از ریاست جمهوری و در جهت تثبیت نگاه تازه‌ای که آن را راهبری می‌کند، فضای باز فرهنگی در جشنواره فجر اتخاذ می‌کند. سه سال پیش از این خاتمی و جشنواره‌هایش اساساً فضای بسته‌ای را تنظیم‌گری کرده بودند و این نشان می‌دهد چطور یک رویداد، سیاسی یا بهتر است بگویم سیاست‌زده می‌شود.

اما درباره جشنواره ۴۱ و نشست خبریش کافی است از میزانسنس ماجرا شروع کنیم، انتقال جلسه نشست از تئاتر شهر به بنیاد رودکی و سالن طبقه پنجم آن، باینکه به نظر می‌رسد با جدول و مشخصات برآمده از جشنواره، محصولات یک سال

آینده تئاتر شهر مشخص شده‌اند؛ اما تیم زارعی تصمیم می‌گیرد به جای تئاتر شهر به سالن رودکی برود. البته نشست خبری در رودکی معطوف به سابقه است، هم در دهه ۶۰ و هم در دوران حسین مسافر آستانه، یکی از چهره‌های شورای سیاست‌گذاری، شورایی که به سبب تخلف آیین‌نامه‌ای مورد انتقاد قرار گرفته بود و البته قرار بود هر ماه صورت جلسه‌هایش منتشر شود؛ اما جز یک خبر که عکس‌هایش بیشتر از محتوایش جلب توجه کرد، هیچ خبر و گزارشی از آن منتشر نشد.

ترکیب دعوت‌شده به نشست نیز

اینکه سخنرانی توکلی طی دوروز گذشته بیش از اصل نشست خبری فراگیر شده است؛ خود نشانه‌ای است از اینکه چطور جشنواره تئاتر فجر سیاسی است. کما اینکه میزانسنس بر گزار ی نیز سیاسی است و بر نامه‌های ارائه شده نیز سیاسی است.

او و نسل جدید فاصله می‌اندازد، بی‌شک همین گسست تاریخی و تجربه‌زیستی است.

با این حال چیزی که بیش‌تر برای نگارنده جالب توجه است نه اسامی پذیرفته شده یا ترکیب آدم‌های جشنواره که بیان‌شکل‌گیری اتحادیه تئاتر جهان اسلام است، بی‌شک رسیدن به اتحادیه‌هایی از این دست می‌تواند جذاب و مفید باشد و حتی شرایط را برای جهانی‌سازی تئاتر کشور هم مهیا کند؛ اما واقعیت امر آن است که این ایده، ایده‌ای مستعمل است. مهدی شفیعی با همراهی مهرداد رایانی مخصوص در سال ۱۳۹۵ با دعوت از مدیران تئاتری کشورهای غرب آسیا و شمال آفریقا، تلاش کردند تا فرصتی برای ایجاد یک هاب تئاتری در ایران فراهم کنند. در اولین دوره این گروه‌هایی با حضور ۱۵ کشور، تفاهم‌نامه‌ای نیز به امضا رسید؛ اما با برکناری مهدی شفیعی و جایگزینی او با شهرام کریمی عملاً موضوع هاب تئاتری ملغی شد. حتی در جشنواره فجر پس از آن کشورهای شرکت‌کننده در گروه‌هایی نقش پررنگی ایفا نکردند و آثار شاخصی جز لبنان، روانه جشنواره فجر نکردند.

اگرچه تعداد اعضای سازمان همکاری کشورهای اسلامی فراتر از ۳۰ کشور است؛ اما مجموعه‌ای از واقعیت‌ها باعث می‌شود که بدانیم این رویا به چه میزان دست‌نیافتنی است. همین که از ۵۷ عضو، عدد ۳۰ به میان می‌آید نشان می‌دهد واقعیت امر چیز دیگری است. استفاده از عدد‌های گرد عموماً محصول ذهنیت تقریبی و کمی‌گرا است. چیزی که از سخنرانی‌های نشست نیز استنباط می‌شود، اینکه به جای صحبت درباره کیفیت، به سراغ کمیت ماجرا می‌روند. اینکه یک میلیون فارغ‌التحصیل تئاتر در ایران وجود دارد؛ اما کسی نمی‌گوید دولت برای این یک میلیون هیچ شغلی طبق اصول قانون اساسی تولید نکرده است. لذا کمیتی زیبا عساری از هر کیفیتی ارائه می‌شود. یا آنکه فلان مقدار متن به دبیرخانه رسیده است و طبق تجربه شخصی در داوری‌ها، بسیاری از این متون فاقد هر گونه ارزش هنری و زیبایی‌شناختی هستند و صرفاً در قمار به دست آوردن جایزه و پولی ارسال می‌شوند. چرا که اگر واجد جوه دراماتیک بودند می‌توانستند در بازار هنری عرضه و تولید شوند.

واقعیت تئاتر یک کشور محصول ۳۶۵ روز فعالیت آن است، نه ۱۰ روز فضای گلخانه‌ای و دست‌چین که در آن قرار است برآیند محبوب یک طیف دیده شود. تفاوتی هم نمی‌کنند مدیریت جشنواره دست چه کسی باشد. تاریخ جشنواره تئاتر فجر نشان داده است، این جشنواره ذاتی سیاسی دارد یا بهتر است بگویم ذات سیاسی پیدا کرده است

اما به قصه اتحادیه بازگردیم. مشکل عمده ماجرا آنجاست که کشورهای اسلامی با یک دوگانه عجیب روبه‌رویند. آنها که ثروت دارند، تئاتر ندارند و آنان که تئاتر دارند، ثروت ندارند. تجربه اخیرم در جشنواره کارتاژ تونس نشان داد چطور کشورهای اسلامی صاحب تئاتر در کمبود مالی به سراغ تئاترهای بسیار معمولی رفته‌اند که برای تئاتر ایران تمرین کلاسی به حساب می‌آید، برخی کشورها همانند اندونزی یا مالزی نیز بیش از آنکه درگیر تئاتر باشند، درگیر اشکال سنتی بازی‌های نمایشی هستند که از قضا از زمان جشن هنر شیراز مهمان ایرانی‌ها بودند. بیشتر کشورهای اسلامی فاقد امکانات مناسب تئاتری هستند، برای مثال در تونس – که قطب تئاتر جهان عرب به حساب می‌آید – هیچ بلک‌باکسی وجود ندارد و امکانات نیز محدودتر از ایران است. به عبارتی این ایران است که وضعیت مناسبی دارد و رویه رقابتیش نه با کشورهای اسلامی که با دنیای دیگری است. در برخی کشورهای اسلامی از جمله افغانستان و عربستان برای تئاتر حرمت شرعی قائل می‌شوند. در مقابل در بسیاری از کشورهای اسلامی اساساً تئاتر جنبه غیردینی آنها هستند، چیزی که جشنواره فجر و متولیانش در پی آن نیستند. برای مثال کشورهایی چون ترکیه، لبنان، تونس و حتی سنگال شکلی از تئاتر را ارائه می‌دهند که خط قرمزهای تئاتر ایران به حساب می‌آیند و از قضا قسمت قدرتمند تئاتر شان همین وجه ماجراست. سخن کوتاه که ما با تکرار مکررات روبه‌رویم.

ما به مدرسه‌ای رقتیم که ۹۵ درصد دانش‌آموزان آن کودکان کار بودند، برای این دانش‌آموزان مدرسه محل تحصیل نبود بلکه به آن به عنوان محل استراحت نگاه می‌کردند و مدرسه رقتشان هم فقط به این دلیل بود که اگر زمانی در حین کار توسط بهزیستی جمع‌آوری شدند بتوانند با بهانه دانش‌آموز بودن آزاد شوند. در این اقصاء خانواده‌ها مدرسه را به جای اینکه محل آموزش باشند یک سنگر می‌دانستند.

ما با موارد عجیبی روبرو می‌شدیم و لازم بود برای اینکه از هر گروه یک نمونه داشته باشیم به یک مدرسه در طبقه میانی هم رقتیم و آنجا هم مشکلات خاصی دیدیم، طبقه‌ای که پدر و مادر هر دو شاغل هستند و تمام بار آموزشی را به دوش مدرسه گذاشته‌اند در حالی که مدرسه به تنهایی بدون کمک خانواده نمی‌تواند از عهده آموزش بر بیاید.

دانش‌آموزانی که مقابل دوربین «مشق امشب» قرار می‌گیرند خیلی خوب صحبت می‌کنند و جملات جالبی به زبان می‌آورند. انتخاب دانش‌آموزان بر چه اساس صورت گرفته است؟

خیلی‌ها تصور می‌کنند که ما این دانش‌آموزان را از بین هزاران دانش‌آموز انتخاب کرده‌ایم در حالیکه برای انتخاب این افراد غربال‌گری خاصی نداشتیم و واقعاً همه بچه‌هایی که با آن‌ها صحبت کردیم حرفی برای گفتن داشتند اما به دلیل محدودیت در زمان مجبور شدیم برخی حرف‌ها را حذف کنیم.

مستند «مشق امشب» در برخی لحظات به قدری تلخ و ناراحت‌کننده می‌شود که شاید برخی آن را نوعی سیاه‌نمایی بدانند.

خط‌باریکی بین سیاه‌نمایی و نشان دادن واقعیت وجود دارد. در این فیلم ما فقط به دنبال بازتاب حقیقت بودیم، یکی از دوستانم که فیلم را دیده بود به من گفت که بچه کار در زندگی‌اش خیلی دیده‌اما بعد از دیدن «مشق امشب» نگاه عمیق‌تری به کودکان کار پیدا کرده است. وقتی این صحبت را شنیدیم احساس کردیم که تاحدی توانسته‌ایم رسالت خود را در ساخت این فیلم انجام دهیم. در نهایت باید بگویم که مقایسه‌اندکی کودکان در اقصاء مختلف می‌تواند به ما کمک کند که درک کنیم در زیر پوست یک شهر چه تفاوت‌هایی وجود دارد.

آیا باز شرایط اکران «مشق امشب» رضایت‌دارید؟

هنر و تجربه فرصت خوبی برای نمایش این فیلم بود و از این اتفاق خوشحالم اما متأسفانه نگاه خوبی به آثار اکران شده در این گروه وجود ندارد و برخی تصور می‌کنند که فیلم‌های هنر و تجربه قطعاً آثار ضعیف هستند در حالیکه اینگونه نیست و باید این نگاه اصلاح شود.



تازه‌ای هم به آن اضافه شده و شکل پیچیده‌تری پیدا کرده است. در زمان تولید چند مشکل مهم را استخراج کردیم و پررنگ‌ترین مسئله را همین اختلافات طبقاتی دیدیم. به نظر ما این موضوع در امر آموزش تأثیر چشمگیری دارد و آنچه که ما به آن در جای‌جای فیلم پی‌بردیم این بود که انگیزه دانش‌آموزان مانسبت به گذشته بسیار کمتر شده است. چند وقت پیش از رئیس کمیسیون آموزش مجلس نقل قولی شنیدم که گفته بودند میانگین معدل دانش‌آموزان ما ۵/۱۱ شده است. این موضوع عجیب و مهمی است به حدی که به نظر من می‌توان هم کارهای کشور را تعطیل کرد و فقط بر همین موضوع تمرکز داشت تا مشکلات و نقصان‌ها را در نظام آموزشی برطرف کنیم چرا که چنین معدلی بسیار عجیب و نگران‌کننده است. یکی از کشفیات ما این بود که این معضل به همان تضاد طبقاتی برمی‌گردد. معلمان خوب ما بیشتر به مدرسه می‌روند که پول بیشتری به آن‌ها داده می‌شود و معمولاً این مدارس در بالای شهر و مدارس غیرانتفاعی هستند. این روند به شکلی ادامه دارد که مدارس دولتی مادر خطر کمبود معلم خوب قرار دارند و همین مسئله می‌تواند اعتماد به نفس دانش‌آموزان و به تبع آن انگیزه‌شان را به حداقل برساند.

کارگردان مستند «مشق امشب»:

تضاد طبقاتی، آموزش را دچار شکاف عمیق کرده

مستند «مشق امشب» به کارگردانی مه‌ران نعمت‌الهی و اشکان نجاتی به تازگی در سینماها اکران شده. این اثر یکی از مستندهای تحسین‌شده‌ی چندسال اخیر سینماست که توانسته در جشنواره‌های معتبری چون «ایدافا»، «ورشو»، «زوریخ»، «استانبول» و... حضور داشته باشد.

همانطور که از نام این مستند مشخص است، «مشق امشب» یادآور مستند «مشق شب» ساخته عباس کیارستمی است که به موضوع آموزش و تحصیل کودکان در اواخر دهه ۱۳۶۰ می‌پرداخت و حالا جدیدترین اثر مه‌ران نعمت‌الهی و اشکان نجاتی پس از گذشت سه دهه دوباره این موضوع را مطرح کرده و به آن از ابعاد مختلف نگاهی دارند که می‌توان این اثر را به نوعی دومین قسمت و مکمل مستند «مشق شب» کیارستمی دانست.

خبرنگار ایلنا با مه‌ران نعمت‌الهی درباره «مشق امشب» گفتگویی داشته است که می‌خوانید:



اگر بخواهیم دو فیلم را با هم مقایسه کنیم، در «مشق امشب» شما پرداختن به تضادهای طبقاتی در جامعه و مشکلاتی که دانش‌آموزان در اقصاء مختلف با آن روبرو هستند بسیار پررنگ‌تر از «مشق شب» کیارستمی است. در واقع شما در این فیلم رویکرد متفاوت‌تری نسبت به اثر کیارستمی در پیش گرفته‌اید و ابعاد اجتماعی را هم کاملاً مدنظر داشته‌اید.

هر مستندسازی ابتدا برای کار خود چارچوبی رسم می‌کند، پیش از ورود به مرحله فیلمبرداری تحقیقاتی انجام می‌شود و بعد خود را به چارچوبی که تعیین شده می‌سپارد. پیش‌تولید این اثر شش ماه به طول کشید، سعی کردیم با افرادی که در نظام آموزشی فعال هستند صحبت کنیم و بعد وقتی وارد پروژه تولید شدیم اولین چیزی که با آن برخورد داشتیم این بود که فهمیدیم ما شناخت چندانی از بچه‌های امروز نداریم.

سپس هر چقدر جلوتر آمدیم متوجه شدیم نه تنها مشکلاتی که عباس کیارستمی در «مشق شب» مطرح می‌کند همچنان پابرجا است که مشکلات